

## ارزیابی تطبیقی حقوق بشر با حقوق بشردوستانه در جنگ ویتنام

اسما صبحی حسین حاجلو<sup>۱</sup>، پروین دشتی زاده<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> کارشناس ارشد حقوق بین الملل، گروه حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

<sup>۲</sup> استادیار گروه حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

### چکیده

این مقاله متکفل بررسی ارزیابی تطبیقی حقوق بشر با حقوق بشردوستانه در جنگ ویتنام با رویکرد توصیفی و تحلیلی می باشد. استفاده از ابزارهای حقوق بشر و بشردوستانه در راستای مداخلات نظامی و سیاسی در جنگ ها بدون رعایت استانداردهای آن به عنوان کاستی و چالشی بزرگ فراروی حقوق بین الملل است که نمونه ی پرواضح آن در جنگ آمریکا علیه ویتنام نمایان شد. یافته ها بیانگر این است که تمامی موارد نقض حقوق بشر و بشردوستانه در این جنگ شکل گرفت. با مصداق گرفتن از جنگ آمریکا علیه ویتنام، مداخلات سیاسی و نظامی کشورهای صاحب قدرت، به بهانه دموکراسی، بیانگر نگرانی آینده ی حقوق بشر و بشردوستانه برای آینده ی جامعه جهانی است. به نتایج پژوهش نشان می دهد که آمریکا علاوه بر نقض حقوق بشر و حقوق بشردوستانه به بهانه دفاع مشروع و ضرورت در تلاش بوده که به اهداف سیاسی و اقتصادی خود دست یابد.

واژه‌های کلیدی: حقوق بشر، حقوق بشردوستانه، جنگ ویتنام

## مقدمه

یکی از مهمترین مولفه‌ها و پارادایم‌های تمدن و پیشرفت جامعه بشری که از اهمیت زیادی در حقوق و روابط بین‌المللی برخوردار است؛ مفهوم حقوق بشر و بشر دوستانه می‌باشد. استفاده‌ی ابزاری از این مفاهیم در راستای مداخلات نظامی و سیاسی در کشورها بدون رعایت استانداردهای آن به عنوان کاستی و چالشی بزرگ فراروی حقوق بین‌الملل است. (حسین نژاد، ۱۴۰۰: ۲۷) نگاهی به پیشینه مداخلات سیاسی و نظامی کشورهای صاحب قدرت، به بهانه دموکراسی، بیانگر نگرانی عمیق کمیته‌ی حقوق بشر و بشردوستانه برای آینده‌ی جامعه جهانی است. به واسطه وقوع مخاصمات مسلحانه فراوان بین انسان‌ها، تمدن‌ها، مذاهب و دولت‌ها، ایده صلح و تضمین حقوق انسان‌ها همواره یکی از آرمان‌های اصلی بشریت بوده است. بر همین اساس، جامعه بین‌الملل به ویژه در سده‌های جدید کوشیده است به انحاء مختلف در جهت کاهش تلفات جانی و مالی ناشی از این مخاصمات گام بردارد. از جمله مهم‌ترین این تلاش‌ها وضع قوانین و مقرراتی تحت عنوان حقوق بشر دوستانه بوده است؛ به گونه‌ای که دولت‌های درگیر در مخاصمات مسلحانه ملزم به رعایت و احترام به این قوانین باشند. (سیدفاطمی، ۱۳۹۸: ۱۱۴) از جمله پیشینه و عقبه این مداخلات را می‌توان به مداخلات نظامی آمریکا در خلال سالهای (۱۹۵۹-۱۹۷۵م) تهاجم، تجاوز و اشغال کشور ویتنام و نقض حقوق بشر و بشردوستانه در این کشور بود. تعداد نظامیان آمریکایی در ویتنام تا سال ۱۹۶۴ م به ۲۱ هزار تن در جریان ماجرای خلیج تونکن وارد جنگ رسمی با نیروهای سمای ویتنام شد و تا سال ۱۹۶۹م این تعداد نیرو به ۵۴۳ هزار نفر رسید. (javaid. 2020: 67) در اثر حمله آمریکا به ویتنام بیش از ۴ میلیون نفر قتل عام شدند که نصف قربانیان غیرنظامی بودند. در برهه اشغال عراق و حضور آمریکا در این کشور، بیش از ۲ میلیون نفر جان خود را از دست دادند که بخشی به خاطر تحریم‌های ظالمانه و یکجانبه این کشور علیه عراق بود. بیش از ۲۷ میلیون نفر از سرخپوستان به خاطر استقرار کشور آمریکا بر اراضی سرخپوستان در برهه‌ای که آمریکایی‌ها مشغول کشورسازی بودند، جان خود را از دست دادند. بیش از ۱۴ میلیون برده را به ایالات متحده منتقل کردند که ۲ میلیون نفر از آنها در دریا جان باختند. (فدایی، ۱۴۰۰: ۳۷-۳۶)

در واقع حقوق بشر،<sup>۱</sup> به معنای اساسی‌ترین و ابتدایی‌ترین حقوقی که هر فرد به طور ذاتی، فطری و به صرف انسان بودن از آن بهره‌مند می‌شود، در جنگ ویتنام نقض شد. مطابق اعلامیه جهانی حقوق بشر و سایر اسناد بین‌المللی این حقوق ویژگی‌هایی همچون جهان شمول بودن، سلب ناشدنی، انتقال ناپذیری، تفکیک ناپذیری، عدم تبعیض و برابری طلبی، به هم پیوستگی و در هم تنیدگی را دارا است. (عباسی، ۱۳۹۸: ۴۵) از این رو به تمامی افراد در هر جایی از جهان تعلق دارد و هیچ‌کس را نمی‌توان به صرف منطقه جغرافیایی که در آن زیست می‌کند، از حقوق بشر محروم کرد ضمن اینکه همه افراد فارغ از عواملی چون نژاد، ملیت، جنسیت و غیره در برخورداری از این حقوق با هم برابر و یکسانند و در این خصوص کسی را بر دیگری برتری نیست. به دیگر سخن، حقوق بشر عبارت است از مجموعه امتیازات متعلق به افراد یک جامعه و مقرر در قواعد موضوعه که افراد به اعتبار انسان بودن و در روابط خود با دیگر افراد جامعه و با قدرت حاکم، با تضمینات و حمایت‌های الزم از آن برخوردار می‌باشند. (هاشمی، ۱۳: ۱۴۰۰) حقوق بشر را می‌توان به گونه‌های مختلف و متفاوتی دسته‌بندی و طبقه‌بندی کرد. رایج‌ترین آن در سطح بین‌المللی، شیوه‌ای از طبقه‌بندی است که حقوق بشر را به حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تقسیم‌بندی کرده است. حقوق مدنی و حقوق سیاسی، مندرج در مواد بیست و یک تا سی از اعلامیه جهانی حقوق بشر و در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی می‌باشد. حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مندرج در مواد ۲۲ تا ۲۸ از اعلامیه

<sup>۱</sup>-Human rights

جهانی حقوق بشر و در میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است. حقوق بشر با توجه به ارائه تعاریفی از حق و نگرش راجع به انسان قابل تعریف خواهد بود. برخی مفهوم حق را امتیازی میدانند که به حیات و موجودیت هر موجودی تعلق دارد و هر موجودی به لحاظ موقعیت خود آن را نسبت به دیگری مطالبه میکند. (رشیدی نژاد، ۱۳۹۸: ۱۱۶)

با این پیشگفته، دو اصطلاح "حقوق بشر" و "حقوق بشر دوستانه" در ادبیات حقوق بین‌الملل معاصر بر دو منظور و مراد کاملا متمایز دلالت دارند. هر چند که روزهای آغازین تولد مفهوم اخیر، در خصوص واژه متناسب و تمایز دقیق آن از اصطلاح نخست گفتگو بسیار بوده است. به هر حال این روزها هیچ گونه ابهامی در مفهوم متبادر از هر یک از دو اصطلاح برای اهل فن وجود ندارد. "حقوق بشر دوستانه" عبارت است از: مجموعه قوانین و مقرراتی که هدفش تعیین حقوق انسانها در زمان جنگ و اثناء تخصیصات مسلحانه است. در حالی که "حقوق بشر" عبارت است از مجموعه مقرراتی که به تنظیم حقوق انسانها در زمان صلح می پردازد و هدف آن، تنظیم روش هایی به منظور هدایت عملیات نظامی نیست، بلکه هدف آن محدود کردن قدرت دولت بر اشخاص و جلوگیری از رفتار مستبدانه است.

حقوق بشردوستانه به موازات گسترش روابط دوستانه ی بین‌المللی و پویایی دانش و فرهنگ و تمدن انسانی، امروزه به عنوان مهمترین بخش حقوق بین‌الملل، جنبه ی حقوقی و الزامی یافته است. در اثر وقوع جنگهای خانمان سوز جهانی و منطقه ای، امروزه همه به این باور رسیده اند که رعایت حقوق بشر دوستانه تأمین‌کننده ی منافع همه ی ملتهاست؛ چون هر کشوری ممکن است روزی گرفتار مخاصمات مسلحانه گردد و مردم آن نیازمند برخورداری از حداقل حقوق انسانی و قواعد محدودکننده ی رفتار قوای درگیر جنگ باشند. (مولایی، ۱۳۹۰: ۱۱) انسان در تاریخ حیات خود جنگ های خونینی را به خود دیده است، ملتی نیست که از آسیب های آن در امان مانده باشد؛ این آسیبهها نه تنها جان و مال انسان را تهدید کرده، بلکه کرامت و احترام او را نیز نشانه گرفته است. نمونه ی آن کشتار کودکان، زنان و سالخوردهگان، تجاوز به عنف و امثال آن در جنگ ویتنام، قلب بشریت را جریحه دار و پرونده ی افتخارآمیز جنگ آوران را سیاه کرده است. در این میان حقوق بشردوستانه در پی کم کردن این آسیبهها و دفاع از حقوق ستمدیدگان جنگ بوده و جامعه جهانی با تصویب کنوانسیون های بین‌المللی مانند کنوانسیون ژنو و لاهه و سایر کنوانسیون ها سعی در ایجاد یک اصول اساسی بشر دوستانه در زمان رخدادهای جنگی است اما این کنوانسیونها، قوانینی هستند که رعایت آنها، اگر چه از وقوع جنگ جلوگیری نمی‌کنند، اما دردها و آسیبههای انسانی را تا حدودی از طرفین مخاصمه می‌کاهد. (فقیه حبیبی، ۱۳۹۵: ۸۲) به دیگر سخن در جنگ ویتنام، نقض دو حقوق بشردوستانه و حقوق بشر از سوی کشور آمریکا تحقق پیدا کرد. در واقع نه تنها حقوق بشردوستانه که در موقعیت درگیریهای مسلحانه و حمایت از قربانیان جنگ با تلاش برای محدود کردن رنج های ناشی از جنگ و رفتارهای انسانی با اشخاصی است که به دست دشمن افتاده اند، اعمال می شود، در جنگ ویتنام توسط آمریکا رعایت نشد؛ بلکه حقوق بشر که در همه موقعیتها اعم از جنگ و صلح از فرد حمایت می‌کند؛ نیز در این جنگ از سوی آمریکا رعایت نشد. (فدایی، پیشین: ۸۸) در رساله پیش رو در پی ردیابی نقض حقوق بشر و بشردوستانه در جنگ ویتنام، دریافتیم، که مخاصمات مسلحانه موجب نقض حقوق بشر دوستانه گردید، اما سوالی که مطرح می شود، این است که مخاصمات مسلحانه چه تاثیری بر قواعد حقوق بشر دارند و آیا به محض وقوع یک مخاصمه مسلحانه، اجرای حقوق بشر، متوقف می شود و فقط حقوق بشردوستانه اعمال می گردد؟ این رساله می کوشد تا ضمن ارائه تحلیلی نظری از نسبت میان حقوق بشر و مخاصمات مسلحانه، نشان دهد که به هنگام مخاصمات مسلحانه، قواعد حقوق بشر مکمل قواعد حقوق بشردوستانه است و صرف وقوع یک مخاصمه مسلحانه به معنی تعطیلی حقوق بشر نیست؛ حقوق بشر برآمده از تفاسیر دولتمردان آمریکا همواره بر این قانون استوار بوده است، جنگیدن برای رسیدن به

صلح! و در این راه استفاده از بمب های اتمی بر علیه مردم بی دفاع ناپالم در ویتنام برای رسیدن به هدف کثیف صلح از منظر آمریکایی ها، وسیله ای است برای رسیدن به هدف. (فلسفی، ۱۳۹۹: ۵۷)

### ۱- مفاهیم

در این قسمت به بررسی حقوق بشر و حقوق بین الملل بشر دوستانه به بررسی سوابق حقوق بشر و بشردستانه پرداخته شده است. در این قسمت بیان شده است که، گذشته حقوق بشر و حقوق بین الملل بشر دوستانه بصورت مجزا شکل گرفته و توسعه یافتند، حقوق بشر را حقوق زمان صلح و حقوق بین الملل بشر دوستانه را حقوق زمان جنگ قلمداد می کردند. بنابراین تصور این بود که هیچ رابطه و نسبتی میان این دو واژه وجود ندارد. (فدایی، ۱۴۰۰: ۳۷-۱۶) اما در پی تغییر و تحولاتی که در نظام حقوق بین الملل در دو عرصه حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه صورت گرفت و قلمرو اجرایی مکانی و زمانی این دو حقوق گسترش پیدا کرد، حقوق بشر دوستانه و حقوق بشر در جهت همگرایی به منظور حمایت از انسان و کرامت انسانی او توسعه یافته و بتدریج به سمت نزدیک شدن حرکت نمودند بدین ترتیب رابطه و تعریف میان حقوق بشر دوستانه و حقوق بشر در دو نظام حقوق بین الملل معاصر شکل گرفت که در سه مطلب بصورت اجمالی رابطه مذکور را بررسی می نماییم.

#### ۱-۱- تعریف حقوق بین الملل بشر دوستانه

«حقوق بین الملل بشر دوستانه شامل اصول و قواعد حقوقی است که هدف آن حمایت از افراد و اموالی است که در معرض تاثیرات درگیری های مسلحانه بین المللی و غیر بین المللی دارند و همچنین تجدید روش ها، شیوه ها و ابزار آلات جنگی است» «حقوق بین الملل بشر دوستانه» «حقوق بین الملل بشر دوستانه» یا «حقوق بشر دوستانه بین المللی» که به «حقوق جنگ» یا «حقوق مخاصمات مسلحانه» نیز معروف است، مجموعه ای از قوانینی است که به دنبال روش های بشر دوستانه، برای محدود کردن اثرات مخاصمات مسلحانه می باشد. این شاخه از حقوق از افرادی که در مخاصمه مشارکت ندارند یا در حال حاضر از جنگیدن کناره گیری کرده اند، محافظت کرده و روش ها و متدهای مخاصمه را محدود می کند. به عبارت دیگر، حقوق بین المللی بشر دوستانه می کوشد که با وضع مقرراتی از خشونت بی اندازه در جنگ ها جلوگیری کند. برای رسیدن به این منظور حقوق بشر دوستانه حق دولت ها را در استفاده از سلاح ها و روش ها محدود و از قربانیان درگیری های مسلحانه حمایت می کند. حقوق بین المللی بشر دوستانه دو حوزه را در بر می گیرد: (فقیه حبیبی، ۱۳۹۵: ۱۱۲)

محافظت از کسانی که در مخاصمه نیستند یا دیگر در آن مشارکت ندارند؛

محدودیت در وسایل جنگی - به ویژه تسلیحات - و روش های جنگی مانند تاکتیک های نظامی

#### محافظت

حقوق بین المللی بشر دوستانه از کسانی که در جنگ ها مشارکت نمی کنند، مانند غیرنظامیان و پرسنل نظامی مذهبی محافظت می کند. همچنین از کسانی محافظت می کند که دیگر در جنگ مشارکتی ندارند، مانند مجروحین، کشتی شکستگان و مبارزان بیمار و اسرای جنگی. این افراد از حق زندگی و احترام به تمامیت جسمی و روحی برخوردار هستند. آنها همچنین از ضمانت های قانونی برخوردار هستند و با آنها باید در تمامی شرایط به صورت بشر دوستانه و بدون هیچ تبعیضی رفتار شود.

به طور خاص کشتن یا زخمی کردن دشمنی که تسلیم شده یا قادر به جنگ نیست ممنوع است. بیماران و مجروحان باید توسط طرفی که آنها را پیدا می‌کند، جمع‌آوری و مراقبت شوند. همه پرسنل پزشکی، تجهیزات، بیمارستان‌ها و آمبولانس‌ها باید محافظت شوند. همچنین قوانین مفصلی وجود دارد که شرایط بازداشت زندانیان جنگی و نحوه برخورد با غیرنظامیانی که تحت تسلط دشمن قرار دارند را مشخص می‌کند. این حقوق شامل تهیه غذا، سرپناه و مراقبت‌های پزشکی و حق تبادل پیام با خانواده‌هایشان است.

گروه‌ها و مکان‌های مورد حمایت حقوق بشردوستانه

غیرنظامیان

مجروحان، بیماران

اسرای جنگی

نشان‌ها (صلیب سرخ، هلال احمر)

اموال فرهنگی، مساجد، اماکن مقدس، کلیساها و ...

محدودیت

حقوق بین‌المللی بشردوستانه تمام راه‌ها و روش‌های جنگی که شامل موارد زیر می‌شوند را ممنوع می‌کند: جایی که نتوان میان نیروهای نظامی و غیرنظامی تفکیک قائل شد، زیرا هدف، حمایت از غیرنظامیان در مقابل مخاصمات مسلحانه است.

باعث صدمه اضافی و رنج غیرضروری شدن.

باعث خسارت شدید یا طولانی مدت به محیط زیست شدن

بنابراین حقوق بشردوستانه استفاده از سلاح‌های متعددی را ممنوع اعلام کرده‌است؛ از جمله گلوله‌های منفجر شونده، سلاح‌های شیمیایی و بیولوژیکی، سلاح‌های لیزری کورکننده و مین‌های ضد نفر.

در حین درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی، هر چهار کنوانسیون ۱۹۴۹ ژنو به همراه پروتکل اول الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو (پروتکل الحاقی اول ۸ ژوئن ۱۹۷۷) اعمال می‌شوند.

کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو عبارت‌اند از:

-کنوانسیون اول، حمایت از زخمیان و بیماران نیروهای مسلح در میدان نبرد

-کنوانسیون دوم، حمایت از زخمیان، بیماران و کشتی‌شکستگان عضو نیروهای مسلح در دریا

-کنوانسیون سوم، حمایت از اسرای جنگی

-کنوانسیون چهارم، حمایت از غیرنظامیان در زمان جنگ. می‌توان گفت که یک درگیری مسلحانه بین‌المللی زمانی حادث شده است که فارغ از دلایل یا شدت مقابله، یک یا چند دولت در رویارویی علیه دولت دیگری به نیروی مسلح متوسل شده‌اند.

در این صورت نیازی به اعلان رسمی جنگ یا اعتراف به چنین شرایطی وجود ندارد؛ برای مثال، ممکن است حتی اگر یکی از طرفین متخاصم دولت طرف روبه‌رو را به رسمیت نشناسد، یک درگیری مسلحانه بین‌المللی وجود داشته باشد، به‌علاوه، پروتکل الحاقی اول تعریف درگیری مسلحانه بین‌المللی را گسترش می‌دهد تا درگیری‌های مسلحانه‌ای را که طی آنها مردم در مبارزه برای حق خود در تعیین سرنوشتشان علیه سلطه استعماری، اشغال بیگانه یا رژیم‌های نژادپرست مبارزه می‌کنند نیز شامل شود. یک درگیری مسلحانه بین‌المللی هنگامی اتفاق می‌افتد که هر گونه استفاده از زور میان دو یا چند دولت وجود

داشته باشد، در حالی که خاک یک کشور هنگامی «اشغال شده» تلقی می‌شود که دولت دیگری کنترل مؤثر بر تمامی یا بخشی از آن را داشته باشد. از طرف دیگر، در حین یک درگیری مسلحانه غیربین‌المللی، بند ۳ مشترک کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو در تمامی شرایط به کار می‌رود. پروتکل دوم الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو (پروتکل الحاقی ۲) که بند ۳ مشترک را بیشتر توسعه داده و تصریح کرده و کامل می‌کند، هنگامی به کار می‌رود که یک یا چند گروه مسلح غیردولتی که با نیروهای مسلح یک کشور مقابله می‌کنند، کنترل بخشی از خاک دولت مذکور را به دست گیرند که امکان هدایت عملیات نظامی را در اختیار آنها قرار می‌دهد. در هر دو شرایط، مفاد مربوطه حقوق بین‌المللی بشردوستانه عرفی کاربرد دارد. برای جمع‌بندی، حقوق بین‌المللی بشردوستانه تنها در شرایط درگیری مسلحانه میان دولت‌ها یا شرایطی که به سطح درگیری مسلحانه غیربین‌المللی (حداقل سطح شدت درگیری و میان نیروهای مسلح سازماندهی شده) رسیده باشند، کاربرد دارد. (رشیدی نژاد، ۱۳۹۸: ۱۱۹-۱۱۶)

#### اشخاص و اشیای مورد حمایت

یکی از اهداف اصلی حقوق بین‌المللی بشردوستانه حمایت از غیرنظامیان و اشیای غیرنظامی است. اشخاص، صرف‌نظر از جنسیت، قومیت، ملیت، دین، عقاید سیاسی یا هرگونه معیار این‌چنین، مورد حمایت هستند. طبق کنوانسیون‌های اول و دوم ژنو، مبارزان به محض آنکه زخمی، بیمار یا کشتی شکسته شوند، وضعیت «اشخاص مورد حمایت» را به دست می‌آورند؛ به شرط آنکه در هیچ عمل خصمانه‌ای شرکت نکنند. پروتکل الحاقی اول این حمایت را به هر شخص زخمی، بیمار، یا کشتی شکسته‌ای، خواه نظامی یا غیرنظامی، بسط می‌دهد.

#### ۱-۲- تعریف حقوق بشر

«حقوق بشر مجموعه‌ای از ارزشها، مفاهیم، اسناد حقوقی بین‌المللی و ساز و کارهایی است که در همهٔ زمان‌ها و مکان‌ها از مقام، منزلت و کرامت انسانی همهٔ افراد و یا گروه‌ها صرفاً بدلیل، اینکه انسانند در مقابل همهٔ دولت‌ها حمایت می‌کند». **حقوق بشر** (human rights)، یک اصطلاح نسبتاً جدید که پس از جنگ جهانی دوم و تاسیس سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۵ وارد محاورات روزمره شده و با توجه به نظریه‌هایی در معانی ماهیت حقوق، معنای حقوق بشر هم متفاوت خواهد بود. شاید بتوان اینگونه معنا کرد که حقوق بشر، آن دسته از حقوقی است که انسان به دلیل انسان بودن و فارغ از اوضاع و احوال متغیر اجتماعی یا میزان قابلیت و صلاحیت فردی او، از آن برخوردار است. این عبارت جایگزین اصطلاح حقوق طبیعی (Natural Rights) و «حقوق انسان (Rights of man.)» گردیده که قدمتی بیشتر دارند. (فلسفی، ۱۳۹۵: ۱۷-۱۶). لذا حقوق بشر آن دسته از حقوقی است که انسان به دلیل انسان بودن و فارغ از اوضاع و احوال متغیر اجتماعی یا میزان قابلیت و صلاحیت فردی او، از آن برخوردار است. در این پاسخ فرض بر این نهاده شده که یک سلسله هنجارها، اصول و حقوقی وجود دارد که جنبه جهان‌شمول دارد و برای تمام افراد انسانی در جوامع مختلف قابل اعمال است چرا که همه افراد به جهت انسان بودن دارای حقوقی هستند که هیچ جامعه یا دولتی نمی‌تواند آنها را انکار کند. به همین دلیل در تعریف حقوق بشر گفته‌اند: «حقوق بشر به معنای امتیازاتی کلی است که هر فرد انسانی طبعاً دارای آن است.»

### ۱-۳- وجوه اشتراک و افتراق حقوق بشر و بشر دوستانه

با در نظر گرفتن این دو تعریف، در می‌یابیم که هدف اصلی و اساسی این دو شاخه حقوق بین الملل حمایت از انسان، انسانیت و کرامتی انسانی است. این دو واژه دارای نقاط اشتراک دیگری است که در مهمترین مطالب آن بشرح زیر مطرح شده است:

- ۱- حقوق بشر و حقوق بین الملل بشر دوستانه، هر دو شاخه‌ای پر اهمیت از حقوق بین الملل (عمومی) محسوب می‌شوند.
- ۲- اصل احترام به انسان و کرامت ذاتی او پایه و اساس هر دو حقوق است.
- ۳- معاهدات حقوق بین الملل بشر دوستانه و نیز معاهدات حقوق بشری، هر دو بر خلاف سایر معاهدات بین المللی مبتنی بر اصل تقابل نمی‌باشند؛

۴- این دو حقوق در توسعه و تدوین یکدیگر تاثیر متقابل داشته‌اند از جمله تأثیر حقوق بشر در تدوین پروتکل‌های الحاقی به کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو و تأثیر حقوق بشر دوستانه در تدوین کنوانسیون حقوق کودک؛

۵- قلمرو اجرایی این دو حقوق مکمل یکدیگرند. بدین صورت که حقوق بشر هم در زمان صلح و هم در زمان جنگ قابل اجراست. و حقوق بین الملل بشر دوستانه مطلقاً حقوق مربوط به زمان مخاصمات مسلحانه بین المللی و غیر بین المللی نیست بلکه در زمان صلح نیز حقوق بین الملل بشر دوستانه اهمیت دارد و در این هنگام بایستی آن را توسعه داد و به آموزش آن افراد مربوطه پرداخت.

۶- در حوزه این دو حقوق، قواعد و مقرراتی مشترکی یافت می‌شود که هم در زمان صلح و هم در زمان جنگ قابلیت اجرایی دارند از جمله منع شکنجه و آزار منع رفتار بی‌رحمانه، منع لطمه به حیثیت اشخاص و....

حقوق بین‌المللی بشردوستانه و حقوق بشر بین‌الملل دو نظام حقوقی متمایز از یکدیگر و درعین حال مکمل هم هستند. هر دو نظام دغدغه حمایت از جان، سلامت و کرامت افراد را دارند. حقوق بین‌المللی بشردوستانه در مخاصمات مسلحانه به کار می‌رود، درحالی‌که حقوق بشر ناظر بر تمامی زمان‌ها؛ چه در جنگ و چه در صلح است. هر دو حقوق بین‌المللی بشردوستانه و حقوق بشر در زمان مخاصمات مسلحانه اعمال می‌شوند. تفاوت اصلی در کاربرد آنها در آن است که حقوق بشر بین‌الملل به دولت‌ها اجازه می‌دهد تا چنانچه با شرایط اضطراری مواجه شدند تعدادی از حقوق انسانی را به حالت تعلیق درآورند. حقوق بین‌المللی بشردوستانه را نمی‌توان به حالت تعلیق درآورد (مگر در شرایط عنوان شده در ماده ۵ کنوانسیون چهارم ژنو). باوجود این، دولت‌ها نمی‌توانند حقوق اساسی خاصی را که باید در تمامی شرایط محترم شمرده شوند به حالت تعلیق درآورند. این حقوق عبارت‌اند از: حق حیات، ممنوعیت شکنجه و مجازات یا رفتار غیرانسانی، ممنوعیت برده‌داری و کار اجباری، اصل مشروعیت و عطف به ماسبق‌نشدن قانون و حق آزادی اندیشه، عقیده و مذهب. دولت‌ها برای احترام و پیاده‌سازی حقوق بین‌المللی بشردوستانه و حقوق بشر مسئولیت حقوقی دارند. پذیرش حقوق بین‌المللی بشردوستانه مستلزم آن است که دولت‌ها قوانین ملی مربوط به پیاده‌سازی الزامات این حقوق را معرفی کرده و ارتش خود را در این زمینه آموزش داده و افرادی که این حقوق را نقض کنند به پای میز محاکمه بکشانند. حقوق بشر نیز حاوی مفادی است که دولت‌ها را ملزم به وضع قوانین و انجام اقدامات مناسب با پیاده‌سازی قواعد آن و مجازات ناقضان می‌کند. حقوق بین‌المللی بشردوستانه بر مبنای کنوانسیون‌های ژنو و لاهه، پروتکل‌های الحاقی و مجموعه معاهدات حاکم بر ابزار و روش‌های جنگ‌افروزی مانند معاهدات منع سلاح‌های لیزری کورکننده، مین‌های زمینی و سلاح‌های شیمیایی و بیولوژیکی و همین‌طور حقوق عرفی قرار داده شده است. حقوق بشر بین‌الملل پیچیدگی بیشتری داشته و برخلاف حقوق بین‌المللی بشردوستانه، معاهدات منطقه‌ای را شامل می‌شود. مهم‌ترین سند حقوقی بین‌المللی، اعلامیه جهانی حقوق بشر است که توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۸ تصویب

شد. دیگر معاهدات جهانی عبارت‌اند از: پیمان جهانی حقوق سیاسی و مدنی، پیمان جهانی حقوق فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و همچنین معاهدات مربوط به پیشگیری و مجازات شکنجه و دیگر اشکال ظلم، رفتار یا مجازات غیرانسانی یا تحقیرآمیز، معاهدات مربوط به حذف تبعیض نژادی و تبعیض علیه زنان یا معاهدات مربوط به حقوق کودک. منشورها یا کنوانسیون‌های منطقه‌ای مختلفی نیز در خصوص حقوق بشر در اروپا، آمریکای شمالی و جنوبی، آفریقا و کشورهای عربی به تصویب رسیده است. در شرایط درگیری مسلحانه، حقوق بشر حمایت‌های ارائه‌شده توسط حقوق بین‌المللی بشردوستانه را کامل و تقویت می‌کند. (مولایی، ۱۳۹۰: ۱۳۲)

پرفسور ژان پیتکه تفاوت موجود میان این دو حقوق را به طور بسیار صریح و آشکار در سه اصل مشترک بیان می‌نماید:

۱- اصل مصونیت که حق احترام به زندگی، تمامیت جسمانی و ویژگی‌های جدا ناشدنی از شخصیت انسان را برای هر فرد غیر رزمنده تضمین می‌کند؛

۲- اصل عدم تبعیض که رفتار تبعیض آمیز را به هر شکل که باشد محکوم می‌کند؛

۳- اصل امنیت که حق امنیت شخصی را به هر فرد انسانی اعطاء می‌کند؛ اما علیرغم وجود پیوند و نزدیکی میان حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه به دلایل ذیل نمی‌توان آن دو را یکی پنداشت و یا یکی را جزئی از دیگری دانست:

۱- در حقوق بشر، انسان حق دارد و نه تکلیف، بلکه تکلیف متوجه دولت‌هاست اما در حقوق بین‌الملل بشر دوستانه، دولت‌ها و افراد، هر دو هم حق دارند و هم تکلیف.

۲- ضمانت اجرا در حقوق بشر و بشر دوستانه متفاوت است.

۳- اسناد بین‌المللی حقوقی آنها مشترک نیست مهم‌ترین اسناد حقوق بشر شامل اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می‌باشد ولی مهم‌ترین اسناد حقوق بشر دوستانه شامل کنوانسیون‌های لاهه و کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو و پروتکل الحاقی به کنوانسیون اخیر می‌باشد.

۴- سازمان ملل متحد و ارکان آن نقش برجسته و تعیین‌کننده‌ای در توسعه حقوق بشر ایفاء نموده‌اند به طوری که حقوق بشر در چارچوب سازمان ملل متحد شکل گرفته است. اما در توسعه حقوق بین‌الملل بشر دوستانه معاصر نقش کمیته بین‌المللی صلیب سرخ پر اهمیت است.

۵- در منشور سازمان ملل متحد صریحاً به حقوق بشر و رعایت آن اشاره شده است اما منشور، حقوق بین‌الملل بشر دوستانه را وسیله‌ای برای رسیدن به هدف اصلی خود یعنی صلح و امنیت بین‌المللی قلمداد نموده است؛

۶- برخلاف حقوق بشر که تحت تأثیر سیاست بین‌الملل قرار گرفته و بشدت سیاسی شده است حقوق بین‌الملل بشر دوستانه با نظارت و پشتیبانی کمیته بین‌المللی صلیب سرخ از خلط شدن با سیاست بین‌الملل محفوظ مانده است؛

با در نظر گرفتن وجوه اشتراک و افتراق بین حقوق بین‌الملل بشر دوستانه و حقوق بشر، رابطه و نسبت موجود بین این دو حقوق به صورت ذیل ارزیابی می‌شود:

با انعقاد پروتکل ۱۹۷۷ در زمینه مخاصمات مسلحانه بین‌المللی و غیر بین‌المللی تقارب میان حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه به روشنی ظاهر می‌شود و همگرایی قابل توجهی بین آنها بوجود می‌آید اما این رابطه به معنی وابستگی یکی به دیگری و یا تشابه یکی با دیگری نیست. بلکه این دو شاخه حقوق بین‌الملل همچنان مجزا و مستقل از یکدیگر و مکمل یکدیگرند. (رشیدی، پیشین: ۱۹۰)



## ۱-۴- جنگ آمریکا در ویتنام

جنگ ویتنام بعنوان طولانی ترین جنگ در قرن بیستم و اولین شکست نظامی آمریکا شناخته می شود. جنگی بسیار خشن و فرسایشی که دست کم سه میلیون کشته و زخمی به جای گذاشت پس از سال‌ها جنگ، حدود ۲ میلیون نفر در ویتنام کشته، ۳ میلیون نفر زخمی و ۱۲ میلیون دیگر آواره شدند. جنگ زیرساخت و اقتصاد کشور را تخریب کرد. در سال ۱۹۷۶ سرانجام ویتنام با نام جمهوری سوسیالیستی ویتنام متحد شد، هرچند در ۱۵ سال آینده خشونت‌های گاه‌به‌گاه ادامه داشت. از سال ۱۹۸۶ ویتنام به بازار آزاد پیوست و اقتصاد آن با افزایش درآمد حاصل از صادرات نفت و ورود سرمایه‌های خارجی بهبود یافت. روابط تجاری و دیپلماتیک بین ویتنام و ایالات متحده آمریکا در دهه‌ی ۱۹۹۰ از سر گرفته شد. در سال ۱۹۸۲ از یادبود جان‌باختگان جنگ ویتنام در واشنگتن پرده‌برداری شد. نام ۵۷۹۳۹ مرد و زن آمریکایی که در جنگ کشته یا مفقود شده بودند در این یادبود ثبت شد. بعدها تعداد دیگری نام به این یادبود افزوده شد که تعداد آن‌ها را به ۵۸۲۰۰ نفر رساند.

کشورهای ویتنام، ایالات متحده آمریکا، اتحاد جماهیر شوروی، چین، استرالیا، کره جنوبی و فرانسه هر کدام به اندازه سهم خود بطور مستقیم در این جنگ درگیر بودند. این جنگ در دو مرحله و مجموعاً سی سال به طول انجامید. اگر بخواهیم دیدگاه کارشناسانه به این جنگ داشته باشیم و از دلایل وقوع آن بگوییم، به مسائل مختلفی می توان اشاره کرد: از جمله توسعه طلبی و اقتدارگرایی آمریکا، استعمار فرانسه، روحیه جنگ طلبی استقلال طلب ها و ملی گرایان ویتنامی، گسترش نفوذ کمونیسم بین الملل و شرایط خاص جغرافیایی ویتنام. اما اگر بخواهیم همه این دلایل را در یک کلمه خلاصه کنیم باید بگوییم: “جنگ سرد” نوع متفاوتی از جنگ که هر از چند گاهی به گرمی تمایل پیدا می کند و جان هزاران انسان را در گوشه و کناری از دنیا می گیرد (هاشمی، ۱۱: ۱۴۰۰)

جنگ سرد را به شیوه‌های مختلف توصیف کرده اند. جنگی برپایه تهدید و ارباب که در همه حوزه‌های زندگی بشر به شکل‌های گوناگون می تواند آسیب زنده باشد. شدیدترین حالت جنگ سرد که چیزی نمانده بود به یک جنگ هسته‌ای تمام عیار تبدیل شود در دهه شصت میلادی بین آمریکا و شوروی اتفاق افتاد. آمریکا و شوروی از زمان پایان جنگ جهانی دوم، به کمک کشورهای دیگر، جنگ سرد را در طی پنج دهه به نمایش گذاشتند و تاریخ بشریت را تا یک قدمی سقوط پیش بردند. یکی از عرصه‌هایی که جنگ سرد میتواند بروز داشته باشد، درگیری نظامی دو ابرقدرت در یک کشور ثالث است. کشور ثالث بنا به موقعیت‌های استراتژیک و شرایط سیاسی اش انتخاب می شود تا زمین بازی ای باشد برای رقابت بین ابرقدرت‌ها. مثلاً افغانستان به دلیل نزدیکی به مرز شوروی و همچنین بدلیل اینکه گروه‌های تروریستی در آن توسعه یافته بودند، از سمت سیاستمداران آمریکایی انتخاب شد تا وارد جنگ غیر مستقیم با اتحاد شوروی شوند. جنگی که حتی تا امروز هم ترکش‌هایش بر پیکر زندگی مردم این کشور باقی مانده است. ویتنام هم بعنوان یک کشور گمنام و البته با شرایط جغرافیایی خاص، توسط ابرقدرت‌ها انتخاب شد تا راه بسوی تباهی برود.

در آسیای شرق منطقه‌ای وجود دارد بنام هندوچین که شامل این کشورها می شود: ویتنام، لائوس، کامبوج، اندونزی، تایلند و مالزی. در بین این کشورها ویتنام، شرقی ترین کشور است که از شرق و جنوب به اقیانوس منتهی می شود. کشوری باریک، کوچک و پر جمعیت که مرز شرقی منطقه هندوچین محسوب می شود. با وجود اینکه ویتنام در طول تاریخ جزئی از قلمرو چین بود اما از قرن‌های گذشته همواره جنبش‌های استقلال طلبانه در این منطقه جریان داشت. ویتنامی‌هایی که از گذشته‌های دور، دارای فرهنگ و زبان خاص و تا حدودی متفاوت نسبت به مردم چین بودند، دل خوشی از تسلط چینی‌ها نداشتند.

از اواسط قرن نوزدهم ویتنام به‌همراه منطقه هندوچین به استعمار فرانسه درآمد. حمله فرانسه، قیام های ملی گرایان ویتنامی را شعله ورتر ساخت؛ طوری که در این کشور یک جنگ داخلی بوجود آورد. جنبش های مختلفی با هدف استقلال ویتنام از فرانسه در نقاط مختلف شکل میگرفت اما همچنان فرانسوی ها به مدت یک قرن بعنوان حاکمان این سرزمین شناخته می شدند. تا اینکه جنگ جهانی دوم آغاز شد. جنگی که فرانسه را در مقابل آلمان به زانو درآورد و ژاپن را جایگزین آنها در ویتنام کرد. اما مشکل ملی گرایان ویتنامی، فرانسه یا ژاپن یا چین نبود. آن ها از داشتن ارباب خسته و ناامید بودند. با پایان یافتن جنگ جهانی و خروج ژاپن از ویتنام یک هرج و مرج کامل، ویتنام را فراگرفت. ملی گرایان و استقلال طلبان ویتنامی به رهبری یک شخص کمونیست بنام هوشی مین جان دوباره گرفته بودند و یک جنگ چریکی علیه فرانسه به راه انداختند. چریک های کمونیست که در ویتنام از سمت چین و شوروی حمایت میشدند عرصه را بر فرانسوی ها تنگ کردند؛ طوری که مارس ۱۹۵۳ در یک نبرد سرنوشت ساز بنام "دین بین فو" کمونیست های استقلال طلب توانستند ضربه مهلکی به نیروهای فرانسه وارد کنند. در ماه می همان سال پیمان صلحی میان کمونیست های ویتنام و ۹ کشور دیگر امضا شد که کشور ویتنام را به دو منطقه مجزا تقسیم میکرد. ویتنام شمالی به رهبری هوشی مین در تسلط کمونیست ها و ویتنام جنوبی دارای یک دولت دموکراتیک به قیومیت آمریکا.

با امضای قرارداد ژنو، ملی گراها به آرزوی دیرین خود یعنی داشتن یک کشور مستقل رسیدند اما آنها تسلط بر سراسر ویتنام را میخواستند. برای همین با ویتنام جنوبی دوباره وارد جنگ شدند. اینجا بود که مرحله دوم جنگ ویتنام آغاز شد. یک طرف جنگ کمونیست های ویتنام شمالی و طرف دیگر جنگ، دولت ویتنام جنوبی با حمایت آمریکا.

## ۲- پیشینه تاریخی (سوابق تحقیق)

از ابتدای حیات جوامع بشری تاکنون همواره جنگ بین انسانها وجود داشته و جنگها همیشه تابع نوعی مقررات بوده اند قواعد و مقررات انسان دوستانه در ابتدایی ترین جنگها - البته نه به شکل امروزی آن - رعایت می شده است. برای مثال در یونان و ایران باستان مقرراتی راجع به رفتار با اسیران جنگی و احترام به آنها، ایمنی غیر رزمندگان، تکریم تسلیم شدگان، حرمت اماکن مقدس و... دیده می شود. پای بندی قواعد و رفتار انسان دوستانه و رعایت آنها در زمان درگیریهای مسلحانه، برخاسته و نشأت گرفته از تمدنها، فرهنگها و عقاید و مذاهب ملل مختلف جهان است. به یقین می توان گفت که در این زمینه بیشترین قوانین و مقررات مشترک میان ملتها وجود دارد و این مسئله سبب رعایت قواعد و مقررات انسان دوستانه در هنگام مخاصمات مسلحانه می شود. کتب آسمانی قرآن و انجیل هم دربردارنده قواعدی در مورد جنگها هستند. هر چند که قرآن مجید در این میان موقعیتی ممتاز دارد و در آن به کرات بر رعایت اصول انسانی در هدایت و اداره جنگها تأکید شده است. در این راستا پژوهش های متنوع و گوناگونی در خصوص حقوق بشر و حقوق بشردوستانه تدوین شده است که به بررسی پاره ای از آن پرداخته می شود:

### ناصر قربان نیا (۱۳۹۴)

وی در کتابی تحت عنوان حقوق بشر و حقوق بشردوستانه به بررسی وجوه افتراق و اشتراک حقوق بشر و حقوق بشردوستانه پرداخته است. آنچه در این کتاب بررسی می شود این است که نظام بین الملل حقوق بشر و بشردوستانه، دو نظام حقوقی به ظاهر متفاوتند که هریک بخشی از حقوق بین الملل را می سازند. نه حقوق بشردوستانه بخشی از حقوق بشر است و نه معقول

است که حقوق بشر بخشی از حقوق بشردوستانه باشد. همچنین نباید آن دو نظام را یکی پنداشت. هرچند این دو نظام نقاط مشترک متعددی دارند، اما از جهاتی نیز از یکدیگر متفاوتند. رأی صواب آن است که این دو شاخه از حقوق بین الملل مکمل یکدیگرند و هر دو هدفی مشترک و واحد را دنبال می کنند که عبارت است از توسعه حمایت از افراد در زمان صلح یا در زمان منازعات مسلحانه. بنابراین حقوق بشر و بشردوستانه نمی توانند نقش های متضاد ایفا کنند. روش پژوهش در کتاب حقوق بشر و بشردوستانه تحلیلی است.

کتاب حقوق بشر و حقوق بشردوستانه از سه بخش تشکیل شده است:

در بخش نخست از مبنای مشترک حقوق بشر و بشردوستانه و زوایای مختلف کرامت انسانی به عنوان مهم ترین مبنای مشترک موشکافی و آنگاه از حقوق طبیعی و توجیه اخلاقی حقوق بشر سخن گفته می شود. در بخش دوم، افزون بر بررسی ماهیت قواعد و چارچوب هنجاری دو نظام، در مورد پیوند و نفوذ متقابل حقوق بشر و بشردوستانه بحث خواهد شد. پس از تبیین مبانی، توجیهات، ماهیت، چارچوب هنجاری و تعامل دو سویه، وارد قلمرو اجرا شده، از ضمانت اجرا و تفاوت های دو نظام از حیث سازوکارهای تضمین سخن گفته می شود. در بخش سوم به اضافه بحث از نهادهای مسئولیت کیفری فردی، صلاحیت جهانی و بی کیفری، به تعهد تضمین قواعد در دو نظام و مداخله بشردوستانه توجه نموده، سرانجام گاهی به نهادهای نظارتی قضایی و شبه قضایی و ارتباط نهادهای نظارتی دو نظام رسیده می شود.

#### حمیدرضا دهقانی پوده (۱۳۸۷)

این مقاله به بررسی تحولات غزه از دیدگاه حقوق بین الملل بشر دوستانه پرداخته است. این مقاله ضمن نگاهی گذرا به سابقه اشغال غزه از سال ۱۹۴۸ تا ۱۹۶۷ و اشغال این بخش از سرزمین فلسطین توسط اسرائیل، تحولات اخیر غزه را نیز مطالعه می کند. خروج یک جانبه رژیم صهیونیستی از غزه در سال ۲۰۰۵ و سپس توافقنامه گذرگاه ها، انتخابات شورای قانون گذاری، پیروزی حماس، اختلافات فتح و حماس، توافق مکه، تشکیل دولت وحدت ملی، اختلافات مجدد و حاکمیت یکپارچه حماس بر غزه، بسته شدن گذرگاه ها و محاصره این منطقه مورد بررسی واقع شده است. پس از آن، ادعاها و دلایل سیاسی و حقوقی رژیم صهیونیستی در مورد غزه مورد بررسی قرار گرفته و سپس بر مبنای قواعد حقوق بین الملل و به ویژه حقوق بین الملل بشردوستانه ارزش این ادعاها ارزیابی و به وظایف اشغالگر در این سرزمین پرداخته شده است. پس از بررسی اقدامات انجام شده، پیشنهاداتی برای برون رفت از وضعیت فعلی (جنگ) و قبل از آن (محاصره) مطرح شده است. در این مقاله بر مبنای قواعد حقوق بین الملل بشردوستانه، پس از اثبات اشغالی بودن این سرزمین با نگاهی گذرا به تعهدات اشغالگر در سرزمین اشغالی، نقض های مکرر این تعهدات از سوی رژیم صهیونیستی به عنوان جرایم جنگی محسوب شده و مسئولیت مجامع بین المللی و کشورهای عضو و غیرعضو کنوانسیون های چهارگانه ژنو گوشزد شده است.

#### علی فقیه حبیبی (۱۳۹۵)

در مقاله ای جایگاه حقوق بشر دوستانه در اسلام و اسناد بین المللی را بررسی نموده است. در این مقاله آمده است که؛ در عرصه بین الملل هم طی سالیان متمادی معاهدات و اسناد بسیاری در خصوص افراد درگیر جنگ و غیر نظامیان و سایر افرادی که به نوعی با مخاصمات مسلحانه در ارتباط هستند در نظر گرفته شده است. جامعه جهانی با تصویب کنوانسیونهای

بین‌المللی مانند کنوانسیون، ژنو و سایر کنوانسیونها سعی در ایجاد یک اصول اساسی بشر دوستانه در زمان رخدادهای جنگی دارد. این کنوانسیونها، قوانینی هستند که رعایت آنها، اگر چه از وقوع جنگ جلوگیری نمی‌کند، اما دردها و آسیبهای انسانی را تا حدودی از طرفین مخاصمه می‌کاهد. مقایسه بین حقوق بشر دوستانه در اسلام و مقررات امروزی، نشان می‌دهد که حقوق اسلامی در این زمینه هم به لحاظ تاریخی و هم به جهت داشتن احکام بشر دوستانه بسیار غنی تر از حقوق بشر دوستانه کنونی است. بدلیل آنکه حقوق بشر دوستانه جنبه‌ی جهانی دارد و اندیشه‌ی بشر دوستانه بیش از هر زمان دیگر، در حوزه‌ی بین‌الملل در حال تثبیت و شکوفایی است از اینرو تبیین دیدگاه اسلام در این زمینه ضروری و حیاتی می‌نماید. لذا در این تحقیق به بررسی ایده و نگرش‌های حقوق بشر دوستانه دین مبین اسلام را که در چهارده قرن گذشته در کلام خدا و ائمه اطهار (ع) ابراز شده است پرداخته است.

### علی اردستانی و الهه کامجو (۱۳۹۷)

در این مقاله تلاش‌ها و کوشش‌های سازمان ملل، در جهت وضع قوانین حقوق بشر دوستانه در جنگ‌ها و مخاصمات بین‌المللی مورد تاکید می‌باشد. این مقاله می‌کوشد تا ضمن ارائه تحلیلی نظری از نسبت میان حقوق بشر و مخاصمات مسلحانه، نشان دهد که به هنگام مخاصمات مسلحانه، قواعد حقوق بشر مکمل قواعد حقوق بشر دوستانه است و صرف وقوع یک مخاصمه مسلحانه به معنی تعطیلی حقوق بشر نیست. در جای دیگر این مقاله بیان شده که به واسطه وقوع مخاصمات مسلحانه فراوان بین انسان‌ها، تمدن‌ها، مذاهب و دولت‌ها، ایده صلح و تضمین حقوق انسان‌ها همواره یکی از آرمان‌های اصلی بشریت بوده است. بر همین اساس، جامعه بین‌الملل به ویژه در سده‌های جدید کوشیده است به انحاء مختلف در جهت کاهش تلفات جانی و مالی ناشی از این مخاصمات گام بردارد. از جمله مهم‌ترین این تلاش‌ها وضع قوانین و مقرراتی تحت عنوان حقوق بشر دوستانه بوده است؛ به گونه‌ای که دولت‌های درگیر در مخاصمات مسلحانه ملزم به رعایت و احترام به این قوانین باشند. کاملاً روشن است که مخاصمات مسلحانه هیچ اثری بر حقوق بشر دوستانه ندارند، اما سوالی که مطرح می‌شود، این است که مخاصمات مسلحانه چه تاثیری بر قواعد حقوق بشر دارند و آیا به محض وقوع یک مخاصمه مسلحانه، اجرای حقوق بشر، متوقف می‌شود و فقط حقوق بشر دوستانه اعمال می‌گردد؟

### ۳- نقض حقوق بشر و بشر دوستانه در جنگ ویتنام توسط آمریکا

سطح مسلماً مرگبارترین جنگ در تاریخ آمریکا در ویتنام رخ داد اما درگیری دو دهه طول کشید که به «کامبوج» و «لائوس» نیز سرایت کرد. تعداد غیرنظامیان ویتنامی بیش از دو میلیون کشته برآورد می‌شود و ۸.۱ میلیون نفر دیگر در جریان جنگ کشته شدند. حدود ۲.۱۸ میلیون گالن عامل سمی «نارنجی» از سال ۱۹۶۱ تا ۱۹۷۱ از هواپیماهای جنگنده آمریکایی شلیک شد. دولت ویتنام اعلام کرد که ۴۰۰ هزار نفر در اثر این مواد شیمیایی کشته شده‌اند و ۵۰۰ هزار کودک با معلولیت مادرزادی متولد شدند. همه این موارد نقض حقوق بشر دوستانه در جنگ ویتنام بود. (ارجمند، ۱۳۹۷: ۹۹) در حالی که جنگ داخلی کامبوج باعث کشته شدن ۳۰۰ هزار نفر شد، جنگ داخلی لائوس باعث کشته شدن بیش از ۶۰ هزار نفر شد؛ این باعث شد که تلفات این قتل عام به تقریباً ۲.۴ میلیون نفر برسد. این در حالی است که در جنگ ویتنام نه تنها حقوق بشر که حقوق بشر دوستانه رعایت نشد. حقوق بشر دوستانه، حقوق انسانها در زمان مخاصمات اعم از داخلی و بین‌المللی است که بنا بر جایگاه خود در یک مخاصمه از حیث غیرنظامی بودن یا اسیر بودن، مجروح بودن یا ترک مخاصمه از این حقوق برخوردارند. حقوق

انسانی افراد در طول مخاصمات در چهارچوب کنوانسیونهای چهارگانه ژنو ۱۲۱۲ تعیین یافته اند. کنوانسیون اول ژنو در خصوص بهبود وضعیت مجروحان جنگهای زمینی، کنوانسیون دوم در خصوص وضعیت مجروحان و بیماران و غرق شدگان جنگهای دریایی، کنوانسیون سوم درباره رفتار با اسرای جنگی و کنوانسیون چهارم راجعه حمایت از افراد غیر نظامی در طول مخاصمه است. کنوانسیون های چهارگانه بدون پرداختن جزئی به آداب جنگ و ایجاد محدودیت از نظر کاربرد سلاح، تضمین و رعایت حقوق افرادی را که از جنگ دست کشیده اند یا به دست دشمن اسیر شده اند و همچنین افرادی که در جنگ مشارکتی نداشته اند، مورد توجه قرار داده اند. (ضیائی بیگدلی، ۱۳۹۶: ۴۷-۴۵) به این ترتیب افرادی که در مخاصمه مشارکت نداشته یا بعد از شرکت ترک مخاصمه نموده اند مورد حمایت می باشند و باید حریم شان رعایت گردد هیچ گاه کرامت و سلامت شان در جریان جنگ ویتنام رعایت نشد. مضاف بر آن، باید با آنها انسانی رفتار شود و در صورت نیاز به مراقبت پزشکی یا درمانی، تسهیلات لازم برای آنان فراهم گردد. همچنین با رزمندگانی که در بند اسارت قرار دارند و افرادی که به نحوی از آزادی خویش محروم شده اند به طور انسانی رفتار شود و از اعمال هرگونه خشنونت با آنان اجتناب گردد و در صورت تعقیب قضایی از مقتضیات دادرسی عادلانه برخوردار گردند. طرفین مخاصمه در انتخاب ابزار و شیوه جنگی باید از به کارگیری ابزاری که سبب ایجاد صدمات و خسارات زاید می شوند، اجتناب نمایند. (قربان نیا، ۱۳۹۵: ۸۳) لازم به ذکر است جمعیت های غیرنظامی و اموال ایشان و نیز اماکن غیرنظامی نیز مورد حمایت نظام حقوق بشردوستانه می باشد. بنابراین لازم است میان اهداف نظامی و غیرنظامی تفکیک گردد. بنا به اطلاعات و یافته های موجود در جنگ ویتنام نه تنها حقوق بشر که حقوق بشردوستانه رعایت نشده است. لذا نظام بین الملل حقوق بشر و بشردوستانه، دو نظام حقوقی به ظاهر متفاوتند که هر یک بخشی از حقوق بین الملل را می سازند و هر کدام از این حقوق به نوعی در جنگ آمریکا علیه ویتنام نقض شدند. نه حقوق بشردوستانه بخشی از حقوق بشر است و نه معقول است که حقوق بشر بخشی از حقوق بشردوستانه باشد. همچنین نباید آن دو نظام را یکی پنداشت. (ممتاز، ۱۳۹۸: ۵۵) یکی از پرسش های مطرح در حوزه مباحث حقوق بشر و بشردوستانه این است که آیا این دو نظام به نحو مشابهی خالق یا بیانگر حق برای اشخاص انسانی هستند یا نه؟

### ۳-۱- توجیهات آمریکا در جنگ ویتنام

#### ۳-۱-۱- ضرورت نظامی

با بررسی اسناد بین المللی و دیدگاه های عالمان حقوق، ضمن تأکید بر این که در چارچوب هنجاری طراحی شده در دو نظام برای تأمین یک هدف اساسی در جنگ آمریکا در ویتنام، تفاوتی مهم وجود دارد. از منظر حقوق بشردوستانه، گروه های مسلح سازمان یافته و دول در حال جنگ، ملزم به رعایت و اجرای حقوق بشردوستانه اند. آمریکا با عبارت «ضرورت نظامی» در حمله به ویتنام رفتار غیر انسانی خود را در جنگ ویتنام توجیه کرد. این عبارت از جمله مفاهیم به کار رفته در اسناد حقوق بشر دوستانه بین المللی است. (مهرپور، ۱۳۹۰: ۴۸) این امر است که «ضرورت نظامی» تاکنون دستاویزی برای اعمال سلاخی مغرضانه و غیر انسانی برخی فرماندهان نظامی یا مسوولان سیاسی دول متخاصم بوده است که نمونه ی آن اقدامات بی رحمانه ی آمریکا در ویتنام بوده است. مفهومی پرکاربرد و در عین حال مبهم و غیر شفاف که عدم وضوح معنایی و تبیین نشدن حدود و ثغور آن، موجب بروز و ظهور چالش ها و آسیب های فراوان در عرصه مخاصمات بین المللی و نیز مخاصمات داخلی شده است. این مساله که «کدام ضرورت» و «با چه کم و کیف» و «با تشخیص کدام متولی»، که در رساله پیش رو سعی بر شناسایی و تحلیل این موضوع نیز می باشد.

## ۳-۱-۲- نظریه دومینو

توجیهات بعدی آمریکا در جنگ ویتنام نظریه دومینو بود.

در سال ۱۹۶۱، تیمی توسط جان اف. کندی رئیس جمهور وقت آمریکا به منظور گزارش درباره‌ی شرایط ویتنام جنوبی به این کشور فرستاده شد. این تیم دولت آمریکا را به کمک‌های نظامی، اقتصادی و فنی بیشتر به رئیس جمهور سرکوب‌گر ویتنام تشویق کرد. نظر تیم بررسی چیزی بود که به نظریه‌ی دومینو معروف شد. نظریه‌ی دومینو بر این اساس بود که اگر در یک کشور آسیای جنوب شرقی کمونیسم به پیروزی برسد، بسیاری از کشورهای دیگر از آن پیروی خواهند کرد. بدین ترتیب بود که کندی کمک ایالات متحده را به دولت ویتنام جنوبی افزایش داد. باید اضافه کرد که مداخله آمریکا به همین جا ختم نشد و به صورت مستقیم نیز وارد جنگ شد. اما چرا آمریکا پیش به ویتنام باز شد؟! سیاستمداران آمریکایی مفهومی را بنام «اثر دومینویی» مطرح می‌کردند. آن‌ها می‌گفتند برای جلوگیری از گسترش کمونیسم باید در ویتنام حضور فعال داشته باشیم. چرا که اگر این کشور به دامن کمونیسم سقوط کند، همه کشورهای منطقه هندوچین و آسیای شرق هم بصورت دومینو وار به سلطه کمونیسم بین الملل درخواهند آمد. آمریکا خود را پلیس جهان میدانست و در رقابت با شوروی بود؛ برای همین حضور نظامی خود در ویتنام را غیرقابل اجتناب دید. بدین ترتیب جنگ دیگری در ویتنام آغاز شد که ۲۲ سال به طول انجامید و در واقع جنگ غیرمستقیم آمریکا و شوروی بود. (هاشمی، ۵۳: ۱۴۰۰)

چیزی که ویتنام را به یک میدان نبرد تبدیل کرد، خودخواهی ابرقدرت‌ها و آرمان‌های ایدئولوژیک بود. جنایات بی سابقه‌ای از سمت هر دو طرف جنگ در این کشور شکل گرفت به گونه‌ای که ملت ویتنام تا مرز نابودی پیش رفت. امروز دیگر آن آرمان‌هایی که میلیون‌ها انسان بخاطرش فدا شدند، به تاریخ پیوستند و حتی برای به یاد آوردن آن، باید تعمق زیادی داشت. امروز هنوز مادرانی هستند در ویتنام که انتظار پیدا شدن اثری از جنازه فرزندشان را می‌کشند اما جنگ دیگر در ویتنام تمام شده و همه آن سرسختی‌ها، تلخی‌ها و روزهای پرمخاطره را به هیاهوی تاریخ سپرده است

## نتیجه‌گیری

مسلماً مرگبارترین جنگ در تاریخ آمریکا در ویتنام رخ داد اما درگیری دو دهه طول کشید که به «کامبوج» و «لائوس» نیز سرایت کرد. تعداد غیرنظامیان ویتنامی بیش از دو میلیون کشته برآورد می‌شود و ۸.۱ میلیون نفر دیگر در جریان جنگ کشته شدند. حدود ۲.۱۸ میلیون گالن عامل سمی «نارنجی» از سال ۱۹۶۱ تا ۱۹۷۱ از هواپیماهای جنگنده آمریکایی شلیک شد. دولت ویتنام اعلام کرد که ۴۰۰ هزار نفر در اثر این مواد شیمیایی کشته شده‌اند و ۵۰۰ هزار کودک با معلولیت مادرزادی متولد شدند. در حالی که جنگ داخلی کامبوج باعث کشته شدن ۳۰۰ هزار نفر شد، جنگ داخلی لائوس باعث کشته شدن بیش از ۶۰ هزار نفر شد؛ این باعث شد که تلفات این قتل عام به تقریباً ۲.۴ میلیون نفر برسد. کارشناسان و صاحب نظران غربی و شرقی وقتی به موضوع حساس حقوق بشر در جهان می‌رسند، نمی‌توانند چشم خود را از موارد نقض و سوء استفاده از آن توسط آمریکا در جنگ ویتنام ببندند، چون به خوبی می‌دانند که آمریکا علاوه بر نقض حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه به بهانه دفاع مشروع و ضرورت در تلاش بوده که به اهداف سیاسی و اقتصادی خود دست یابد.

## منابع

- ۱- ارجمند، دکتر امیر اردشیر، رابطه حقوق بشر دوستانه و حقوق بشر، مجموعه مقالات همایش اسلام و حقوق بین الملل بشر دوستانه، گروه نویسندگان، چاپ اول، زمستان ۱۳۹۷، ص ۵۸۲ - ۶۰۱.
- ۲- فقیه حبیبی، علی، جایگاه حقوق بشر دوستانه در اسلام و اسناد بین المللی، فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، سال ششم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۵، صص ۱۰۳-۸.
- ۳- فدایی، حسین، ۱۴۰۰، مصادیق نقض حقوق بشر توسط آمریکا و مداخلات آن در جهان، تهران: دفتر مطالعات سیاسی مجلس شورای اسلامی.
- ۴- فلسفی، هدایت الله، تدوین و اعتلای حقوق بشر در جامعه بین المللی، مجله تحقیقات حقوقی، سال ۱۳۹۹، ۱۵-۱۱، شماره ۱۱-۱۶.
- ۵- قربان نیا، ناصر؛ ۱۳۹۵ نسبت میان حقوق بشر و حقوق دوستانه، رساله دکترا، دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی
- ۶- قاری سید فاطمی، سید محمد، ۱۳۹۸، حقوق بشر در جهان معاصر، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش های حقوقی شهر دانش. جلد ۱
- ۷- ضیائی بیگدلی، دکتر محمد رضا، ۱۳۹۶ حقوق بشر، حقوق بشر دوستانه و حقوق بین الملل بشر، بررسی تحولات اخیر حقوق بشر دوستانه بین المللی، دبیرخانه کمیته ملی حقوق بشر دوستانه، نشر نسیم، صص ۷۹-۸۸.
- ۸- ممتاز. جمشید، قربان نیا. ناصر، ۱۳۹۸. چارچوب هنجاری نظام بین الملل حقوق بشر و بشر دوستانه، نامه مفید، سال دوازدهم، شماره ۵۵، نامه حقوقی، جلد ۲ شماره ۱، صص ۳-۱۸.
- ۹- کتایون، حسین نژاد، ۱۴۰۰. «خدمت و حمایت»، حقوق بشر دوستانه در عملکرد حرفه‌ای پلیس، تهران، نشر سیر سپهر.
- ۱۰- رشیدی نژاد، زینب، ۱۳۹۸، موازین و مرزهای حقوق بشردوستانه در رویه شورای امنیت، مجله حقوقی، نشریه مرکز امور بین الملل معاونت حقوقی و امور مجلس، شماره ۳۷، صص ۶۳-۱۱۷
- ۱۰- عباسی، بیژن، ۱۳۹۹. حقوق بشر و آزادیهای بنیادین، تهران: نشر دادگستر،
- ۱۱- مهرپور، حسین (۱۳۹۰) نظام بین المللی حقوق بشر، تهران: انتشارات اطلاعات.
- ۱۲- مولایی، یوسف (۱۳۹۲) استقلال، دموکراسی و حقوق بشر، نشریه نامه سفید، شماره ۲۸، دی ماه
۱۳. هاشمی، سید محمد، ۱۴۰۰. حقوق بشر و آزادیهای اساسی، تهران: نشر میزان، چاپ اول،

1- Abi Saab George: **The Specificities of Humanitarian Law**, in Christophe Swinatsk (ed): Studies and Essays on International Humanitarian Law and Red Cross principles, in Honour of Jean Pictet, Geneva, The Hague, ICRC, Nijhoff, 2021

2- Bossuy Marc J: **The Direct Applicability of International Instruments on Human Rights**, 15 Revue Belge de Droit International 2022

3--Rehman, Javid, **International Human Rights Law**, Second Edition, Longman, 2020